

آیا داستان فطرس ملک واقعیت دارد؟

داستان فطرس ملک در روایات:

از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که چون امام حسین علیه السلام متولد شد حق تعالی جبرئیل را امر فرمود برای تهنیت از جانب خداوند و از جانب خود به پیامبر صلی الله علیه و آله با هزار ملک نازل شود؛ چون جبرئیل نازل می‌شد از ملک که به او فطرس می‌گفتند و از حاملان عرش بود و در جزیره‌ای از جزایر دریا بود گذشت، وقتی حق تعالی فطرس را امری فرمود و او کندی کرده بود پس حق تعالی بالش را درهم شکسته و او را در آن جزیره انداخته بود؛ پس فطرس ۷۰۰ سال در آنجا عبادت حق تعالی کرد تا روزی که حضرت امام حسین علیه السلام متولد شد؛ چون دید که جبرئیل با ملائکه فرود می‌آیند از جبرئیل پرسید که اراده کجا دارید؟ گفت: حق تعالی نعمتی به محمد صلی الله علیه و آله کرامت فرموده و مرا فرستاده است که او را مبارک باد بگویم، فطرس گفت ای جبرئیل مرا نیز با خود ببر شاید که آن حضرت برای من دعا کند تا حق تعالی از من بگذرد؛ پس جبرئیل او را با خود برداشت و چون به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، تهنیت و تحیت گفت و شرح حال فطرس را به عرض رسانید.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که به او بگو که خود را به این مولود مبارک بمالد و به مکان خود برگردد. فطرس خویشتن را به امام حسین علیه السلام مالید و بال برآورد و این کلمات را گفت و بالا رفت، عرض کرد یا رسول الله همانا زود باشد که این مولود را امت تو شهید کنند، او را بر من جهت این نعمتی که از او به من رسید مکافاتی است که هر که او را زیارت کند من او را به حضرت حسین علیه السلام برسانم، هر که بر او سلام کند من سلام او را برسانم و هر که بر او صلوات بفرستد من صلوات او را به او می‌رسانم.

سندهای این ماجرا:

این روایت با ۱۱ سند در منابع مختلف شیعی نقل شده است:

۱. گشّی با سلسله سند متصل از قول محمد بن سنان می‌کند که او جریان فوق را خدمت امام جواد علیه

السلام بیان نموده و امام علیه السلام هم با سکوتش آن را تایید می‌کند:

حمدویه قال حدثنا أبو سعيد الادمي عن محمد بن مرزبان عن محمد بن سنان قال شكوت إلى الرضا عليه

السلام وجع العين فكتب إلى أبي جعفر عليه السلام...

اختیار معرفة الرجال - الشيخ الطوسي - ج ۲ ص ۸۵۰

۲. مرحوم صفار در بصائر الدرجات از شخصی به نام بطیخی و او از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

حدثنا أحمد بن موسى عن محمد بن المعروف بغزال مولى حرب بن زياد البجلي عن محمد أبي جعفر

الحمامي الكوفي عن الأزهر البطيخي عن أبي عبد الله عليه السلام...

بصائر الدرجات - محمد بن الحسن الصفار - ص ۸۸

۳. شیخ صدوق از ابراهیم بن شعیب میثمی و او از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

حدثنا أحمد بن محمد بن يحيى العطار قال حدثنا أبي عن محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري

قال حدثنا موسى بن عمر عن عبد الله بن صباح المزني عن إبراهيم بن شعيب الميثمي قال سمعت الصادق أبا

عبد الله عليه السلام يقول...

الأمالی - الشيخ الصدوق - ص ۲۰۰

۴. ابن قولویه قمی نیز از ابراهیم بن شعیب میثمی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

حدثني محمد بن جعفر القرشي الرزاز الكوفي قال حدثني خالي محمد بن الحسين بن أبي الخطاب قال

حدثني موسى بن سعدان الحناط عن عبد الله بن القاسم الحضرمي عن إبراهيم بن شعيب الميثمي قال سمعت

أبا عبد الله عليه السلام...

کامل الزیارات - جعفر بن محمد بن قولویه - ص ۱۴۰

۵. طبري امامي از شلمغانی از شخصی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند:

حدثني أبو المفضل محمد بن عبد الله قال حدثني أبو النجم بدر ابن الطبرستاني قال حدثني أبو جعفر

محمد بن علي الشلمغاني عن حدثه عن أبي جعفر عليه السلام قال لما ولد الحسين عليه السلام...

دلائل الامامة - محمد بن جرير الطبري (الشيعي) - ص ۱۸۹

۶. ابن ادريس حلی از حنان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

وعنه عن حنان مولى سدير عن أبي عبد الله عليه السلام...

مستطرفات السرائر « باب النوادر » (موسوعة ابن إدريس الحلي) - ابن إدريس الحلي - ص ۱۱۵

۷. ابن ادريس حلی از شخصی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

وعن رجل من أصحابنا عن أبي عبد الله عليه السلام...

مستطرفات السرائر « باب النوادر » (موسوعة ابن إدريس الحلي) - ابن إدريس الحلي - ص ۱۱۵

۸. ابن ادريس حلی

وذكره غير واحد من أصحابنا عن أبي عبد الله عليه السلام...

مستطرفات السرائر « باب النوادر » (موسوعة ابن إدريس الحلي) - ابن إدريس الحلي - ص ۱۱۵

۹. شيخ طوسي دعایی را نقل می‌کند که در آن به این ماجرا اشاره شده است:

وروى عمرو بن خالد عن أبي جعفر عليه السلام....

مصباح المتهدد - الشيخ الطوسي - ص ۸۲۶

۱۰. محمد بن ابی القاسم طبری از عبد الله بن هشام از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند:

حدثنا عبد الله بن هشام قال حدثنا أبو الحسن علي بن موسى بن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عن

آبائه عليهم السلام عن النبي صلى الله عليه وآله قال...

بشارة المصطفى - محمد بن أبي القاسم الطبري - ص ۳۳۷ و ۳۳۸

۱۱. مرحوم مشهدی از قاسم بن علاء همدانی وکیل امام عسکری نقل می‌کند:

فقد ورد في الترغيب في صومه مؤكدا غاية التأكيد ، وخاصة في اليوم الثالث منه ، فإنه اليوم الذي ولد فيه

الحسين بن علي عليهما السلام فخرج إلى القاسم بن العلاء الهمداني وکیل أبي محمد عليه السلام

المزار - محمد بن جعفر المشهدي - ص ۳۹۷

اگرچه این روایت از نظر سندی دارای سند صحیح نیست؛ ولی این روایت نه مسأله فقهی است و نه مسئله

اعتقادی که نیاز به روایت صحیح سند و یقین آور داشته باشیم؛ بلکه یک فضیلتی است که شاید بتوان گفت

استفاضه معنوی دارد و اگر استفاضه هم نداشته باشد با توجه به کثرت نقل آن در کتب علمای متقدم، می‌توان به

آن اعتماد کرد.

نظیر همین روایت در مورد فرشته دیگری به نام درائیل هم آمده است:

قال ابن عباس سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول إن لله تبارك وتعالى ملكا يقال له درائیل كان

له ستة عشر ألف جناح ما بين الجناح إلى الجناح هواء والهواء كما بين السماء إلى الأرض...

كمال الدين وتمام النعمة - الشيخ الصدوق - ص ۲۸۲

گناه کردن فرشته:

الف: شبهه‌ای که در رابطه با این ماجرا مطرح است مبحث گناه کردن ملائکه و فرشته‌ها است؛ زیرا در

شیعه چنین اعتقادی وجود دارد که ملائکه معصوم از خطا و گناه هستند؛ اما این روایت می‌گوید که فطرس گناه

کرده است.

در پاسخ می‌گوییم:

۱. آنچه از اصل جریان استفاده می‌شود این است که ظاهراً فطرس گناهی را مرتکب نشده است؛ بلکه

یک کندی در اجرای امر الهی کرده است؛ چرا که خداوند می‌فرماید:

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ

سوره انبیاء، آیه ۲۷

ملائکه سر بر فرمان خدا دارند و هرگز معصیت نمی‌کنند.

۲. بعضی از مفسران گفته‌اند: مجازات و تنبیه ملائکه در اثر ترک اولی بوده است، نه گناه و معصیت،

منظور از ترک اولی این است که آن‌ها در اجرای دستورات الهی عملی را که دارای اولویت بیشتری بوده رها کرده‌اند

و به سوی عمل کم اولویت رفته‌اند، یا انجام عمل را در وقتی و شرایطی که اولویت بیشتری داشته، رها کرده و در

شرایط و وقت دیگری به جا آورده‌اند و به همین جهت مجازات و تنبیه شده‌اند.

۳. عده‌ای احتمال داده‌اند که این قبیل روایات مربوط به دسته‌ای از ملائکه است که شبیه به انسان هستند،

بعضی از ملائکه را در اخبار و احادیث ملائکه زمینی می‌گویند، آنها موجوداتی هستند نامرئی؛ اما شاید خیلی به

انسان شبیه هستند؛ یعنی تکلیف می‌پذیرند و احیاناً تمرد می‌کنند، حقیقت اینها بر ما روشن نیست؛ حتی در

بعضی از اخبار آمده است که بعضی از ملائکه از عنصرهای این عالم آفریده شده‌اند.

مرتضی مطهری، توحید، ص ۳۴۲.

ب: اشکال دیگری که مطرح می‌شود این است که برخی می‌گویند: اساساً فرشتگان الهی قدرت بر گناه و

یا سستی و کندی در مقام طاعت ندارند؛ چون عقل محض هستند و عقل فقط به پیروی و فرمانبرداری از خدا

دستور می‌دهد.

در پاسخ می‌گوییم:

۱. روایات و آیاتی که در زمینه عصمت فرشتگان وجود دارد، به وضوح بر عصمت اختیاری دلالت دارد، نه

بر اطاعت جبری.

۲. این که خداوند ملائکه را مدح می‌کند به این که معصیت نمی‌کنند، نشان می‌دهد که این عصمت اختیاری است؛ وگرنه عصمت اجباری هیچ افتخاری ندارد.

۳. این که معصیت از ملائکه سلب می‌شود نشان می‌دهد نوعی سنخیت میان ملائکه طاعت و معصیت با ملائکه وجود دارد؛ چون تا اسناد ملکه‌ای به چیزی صحیح نباشد، سلب نسبت آن ملکه از آن معقول نخواهد بود.

۴. آفرینش فرشتگان از عقل محض به معنی تساوی ملائکه در میزان بهره‌مندی از عقل نیست؛ بلکه از نظر کمیت و شدت و ضعف می‌توانند متفاوت باشند:

وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ

سوره صافات، آیه ۱۶۴

۵. قرآن به صراحت بیان می‌کند که ملائکه بدون نقصان نیستند؛ برای نمونه خداوند در قرآن در ماجرای حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السلام می‌فرماید:

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

سوره بقره، آیه ۳۰

در اینجا ملائکه نسبت به خلقت حضرت آدم و قرار دادن او به عنوان خلیفه به خداوند اعتراض می‌کنند و خداوند هم در پاسخ به آن‌ها می‌گوید: من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

موفق و مؤید باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر

عجل الله تعالی فرجه الشریف